

علل قیام و نهضت حسین بن علی (ع)

ما الامام الا انما حکم بالکتاب ، القالیم بالقسط ، الدائن
بدين الحق ، الحاسب نفسه علی ذات الله
(قسمتی از نامه تاریخی حضرت حسین بن علی به عتصمیان)
امام پیشوای مردم کسی است که از روی قرآن حکومت و
داوری کند ، عدالت پرورد و داد گستر ، پیر و آئین حق و دار راه خدا
خویش را داشته باشد .

گردانی ، نور و نازه تر میگردد . و این
خود نکته قابل توجه در زندگی پر
افتخار پیشوای بزرگ انسانها است .

هر سادیه بزرگ و عظیمی که در جهان
روی دهد ، طولی نمیکشد که جز برون
زندگی آنرا ، دست فراموشی نیفتد و گویا
مردمان از هیچ زمان دور و غ و درخشندگی
آن نمیکشد ، و سرانجام جزو تاریخ
گردیده فقط در صفحات متروک آن ،
نام و نقاشی از آن باقی می ماند .

گویا حوادث تاریخی بسان غذا است
حما نظر که غذا پس از آنکه وارد معده
شده از طریق دستکاه گوارش بسورتیهای
مختلفی درآمده و هضم میگردد ، همین
حوادث و رویدادها ، در هاشمه بزرگ

بسان برخی از علل قیام حسین بن علی (ع)
می باشد .

یکی از علل نهضت حضرت حسین بن
علی (ع) انحرافها می بود که در دستکاه
حکومت با اصطلاح اسلامی آنروز پدید
آمده بود ، اگر چه دوران حکومت یزید
سر آغاز این انحرافها نبود ، بلکه
انحراف حکومت از مسیر صحیح اسلامی
از روزی آغاز گردید که حکومت اسلامی
بوسیله گروهی از صحابه ، از محور
اصولی خود ، منحرف گردید ، ولی این
انحراف در سالهای نخستین حکومت خلفاء
چندان نمایان و چشم گیر نبود ، ولی به
مرور زمان این انحراف وسیعتر و شکاف
آن عمیق تر گردید ، کار بجایی رسید که
ابوسفیان دهمین شماره پادشاه اسلام پیامبر
که مدتها به ظاهر اسلام آورده و بنفوق
مسلمانان پیوسته بود ، در نخستین روزهای
خلافت عثمان در بایک جلسه سری که
خود خلیفه بر سر آن شرکت داشت ، تمام
اعضاء آنرا ، خادمان خلیفه (بنی امیه)
تشکیل می داد ، جرات پیدا کرد و گفت:
اکنون که فرسائروائی از آن بنی امیه
است ، خلافت را بسان گوی بر بانهید و
بیکدیگر پاس دهید ، و کوشش کنید که
از دوستان امیه بیرون نرود ، و در اعقاب
و فرزندان شما برای ابد محفوظ بماند .
به آنچه که من سؤ گفتم بایک میسکنم

جهان پدید بریح هضم گردید ، و حوادث
دور و جای خود را به حوادث نو تر میدهد .
این قانون مسلم و طبیعی جهان و اجتماع ما
است .

ولی برخی از این حوادث ، جنبه
استثنائی دارد ، بسان بر ابیان و ولایست
که معده انسان قادر به هضم آن نیست و
در هاشمه بزرگ روزگار هضم نمیکرد
و گذشتثمان از قدرت ، بقاء آن نمیکاهد .
تاریخ مردان الهی و جاننازی و فداکاری
پیامبران آسمانی و نبوتها ، و انقلابهای
که بوسیله پیشوایان بزرگ بشریت صورت
پذیرفته است ، همگی از این نوع حوادث
است که عاصمه بزرگ جهان ، بر اثر
انقلاب و پیروندی که با فطرت انسانی دارد
قادر به هضم آن نیست و هرگز فراموش
نمیشود و برای ابد در خاطر ما زنده و
جاوید می ماند .

نهضت حضرت حسین بن علی (ع)
و انقلاب خونین روزهاست و یکی از حوادث
جایابان اجتماع بشریت بوده و تجربه
و آزمایشی بزرگترین گواهی آن میباشد .
در تاریخ خونین کر بلا ، در طلب پیش
از مطالب دیگر شایان توجه و نیاز به
بررسیهای دقیق و عمیق تاریخی دارد .
یکی انگیز معالی که این نهضت را بوجود
آورد ، و دیگری تبلیغ در حاشیای که از
این انقلاب مدعیان بدست آمد . هدف ما

فهیشتی در کار استی نه دوزخی
 یلچین تومیه گسناخانه که حاکی
 از کفر و بدین گویند است، در جلسه ای
 که کارگردانان و مستشاران حکومت
 اسلام، در آن حضور داشتند، حاکی
 از انحراف و ارتجاع اعضاء حکومت، به
 اوضاع سیاه جاهلیت می باشد.

ابوسفیان نه تنها به کفر ارتداد خود
 نرسید، و حتی عوره ولایت و توبیخ
 حکومت وقت قرار نگرفت، بلکه تومیه
 او کم کم جامه عمل پوشید، چیزی
 نگفت، که خایه پسر عموی ابوسفیان،
 یک حکومت ضد دین اموی بوجود
 آورد و سران استانیهای اسلامی را به
 شورشانندان جانشینکار دین پرست خود،
 که همگی از بنی امیه بودند سپرد.

اگر در دوران رسول خدا (ص) وقتش
 اردوان حکومت «شچین» ملک انتخاب
 برای استانداری، فرمانداری و مشاورت
 شایستگی و امانت بود در این وقت خلافت
 ملک انتخاب فقط وقت خوبش و نه با
 خاندان بنی امیه بود.

حکومت الهی امیر مؤمنان علی (ع)
 پس از قتل عثمان اگر چه بر بسیاری
 از این همیشتان و اجاقاقاق و ستمها، خالعه
 داد، ولی بر اثر کوتاه بودن دوران
 حکومت آن در اندام الهی، عمال حکومت

اموی ریشه کن نگردیدند، و پس از
 شهادت آن حضرت بار دیگر یکی از
 فرزندان امیه معاویه، به سر کبوترهای
 اسلام، تسلط یافت، و عمال مستنکر
 و پساگر خود را مانند زیاد، عمر و عباس
 سمره، مروان، و... بر نوامیس و
 اموال بیت المال مسلمانان مسلط ساخت.

حجر بن عدی ورشید دیگری، و مسرور
 بن حوق و مہلم نامورند، غا منادی حق
 و آزادی را بخاطر مبارزه با خود کامگی
 وی، بوسع قضیب بقتل رسانید.
 معاویه در طول خلافت بیست ساله خود
 پانصدای حکومت فرزند فرومایه اش
 بر پلکان صاره فساد، و ثمره شجره
 اموی بود محکم و استوار ساخت. پس
 از آن گذشت معاویه، مردی روی کار
 آمد که نه تنها تربیت دینی نداشت، بلکه
 با اسلام و پیامبر روی کینه نوزیدی دوران
 جاهلیت و جنگهای پند و اجداد و احزاب
 شدیداً مخالف بود. حکومتش که باید
 طبق رسالت اسلام، مجری قوانین و
 حدود، نماینده افکار و آراء مسلمانان
 و تجسم روح جامعه اسلامی باشد، بدست
 مرد پلیدی افتاد که آشکارا موضوع رسالت
 دوس محمدی (ص) را انکار میکرد،
 و پسان جد خود ابوسفیان، همه را پنداری
 بیش نمیدانست (۲) بقصد صفحه ۶۶

۱- استیعاب ج ۴ ص ۷۸ شرح نهج البلاغه حدیدی ج ۳ ص ۴۴۳

۲- المبدأة والنهایة ص ۱۹۷، مقال المظالمین ص ۱۲۰

بقیه از صفحه ۱۶

مانند گله حیوانات باید از آنان اطاعت کنند (۱)

و باز می نویسد: «ارسطو» معتقد است که اساساً از لحاظ طبیعی مساوی خلق شده اند
 بعضی‌ها برای اسیر بودن و دسته دیگر برای فرمانروایی بوجود آمده‌اند (۲)

منطق حق و معرفی بهترین وزیر

وقتی اینگونه منطق صحیف وین ارزشی را انسان از مثل ارسطو‌ها می‌شود آنوقت چه
 اندازه در مقابل منطبق‌ترین و محکم امام امیر المؤمنین علی (ع) خاضع می‌گردد که رسماً فرماندار
 خویش می‌نویسد: بهترین وزیر آن است که بی پروا حق را با همه تلخی که دارد بگوید و در آنجا
 که تو تصمیم داری قانون شکنی نموده قدمی بر خلاف رضای خدا برداری ترا تنها گذارده هیچ
 وجهی در این راه بنویسد که تو مساعدت ننماید که چه اینکار ناپسندم و نفاقه تو خوش آید و از ته دل
 خواهان انجام آن باشی.

ثم لیکن آنهم عندك اقواهم برالحق و اقلهم مساعدة لیبما یکون منك مما کره الله
 لاولیائه و اقلهم من عوائلک حیث وقع.

بقیه از صفحه ۴

رحمت خدا می‌باشیم.

یزید عودت فسق و بزهکار،
 شرا بیخوار، قائل بیکساعتی و متجاهر به
 فسق و مشغلی لایمابیع مثل
 من با این سوابق درخشان، با چنین
 کسی بیعت نمی‌کنند
 بدینگونه امام علیه السلام با بیعت
 خلافت و سازنده نبود بیعت کتیب این
 حکومت را بمسلمانان جهان نشان داد
 و پرده از روی منویات خطرناک آنان
 برداشت و سرانجام احساسات مردم را
 بر شد امویان بسیج نمود. چیزی نگذشت
 که در تمام اقطار اسلامی، انقلابی
 دوی داد که منجر به نابودی کامل
 حکومت امویان گردید. سلام الله
 علیه یوم ولد و یوم مات و یوم
 بیعت حیا.

آیا در چنین اوضاع و احوال، و با
 انتشار فساد در حوزه‌های حکومت اسلامی
 و نفوذ عناصر مرتجع که میخواستند
 اوضاع را بدوران جاهلیت بازگردانند
 حضرت حسین بن علی (ع) که نمونه
 تقوی و پرهیزکاری و ستم‌آزادی،
 و یگانه حاشی، دین و باور پیامبر بود
 می‌توانست دست بیعت به چنین مردی
 بدهد و بر جنایات و ستمکاریهای مویان
 پلید اوصحی بگذارد؟

هنگامی که دولیده استاندار مدینه
 امام را به استانداری دعوت نمود، و نامه
 یزید را برای او خواند و از حضرت خواست
 که بایزید بیعت کند، وی در پاسخ گفت:
 ما خاندان نبوت و رسالت هستیم، و
 مرکز آمد و رفت فرشتگان، و محل نزول

۲۵۱) قرار داد اجتماعی صفحه ۸